

میانکنش «جرم شناسی رشد» با سامانه اطلاعات جغرافیایی: راهبرد جنگ نامتقارن سایبری علیه عفت زدایی از جوانان

مهدی خاقانی اصفهانی*

چکیده: تدقیق در سیر تطور راهبردهای مدیریت مخاصمه در فرآیند نبردهای بشری نشان می‌دهد عصر حاضر، دوره جنگ‌های پسامدرن است. تفاوت جنگ‌های نوظهور با مخاصمات مسلحانه کلاسیک و منظم، در سه بعد ساختار، فرایند و بازیگران قابل تحلیل است. جنگ نامتقارن که از جلوه‌های جنگ‌های پسامدرن است به بکارگیری راهبردهای و کاربست‌ها غیرقابل پیش بینی یا غیرمتعارف برای خنثی نمودن یا تضعیف قوای دشمن و در عین حال، بهره برداری از نقاط آسیب‌پذیر او از طریق فناوری‌های مبتکرانه اطلاق می‌شود. از دیگر سو، جرم شناسی رشد با تمرکز بر ابزارهای اقناعی فرهنگی در مقایسه با تاکتیک‌های سرکوبی و سزاکرا، لزوم توجه به پدافند غیرعامل در مدیریت بحران بزهکاری‌های ناشی از عدم رشد شخصیت و نابالغی عاطفی را ضروری می‌نماید. اتخاذ «راهبرد جنگ نامتقارن» در مقابله تارنماهای هرزه نگاری از این جهت پیشنهاد می‌شود که حمایت فرهنگی و سپس کیفی از «حق بر سلامت اخلاقی محیطی و توسعه پایدار» که از مصادیق مسلم حقوق بشر است ایجاب می‌کند محصولات فرهنگی مصرفی توسط جوان مسلمان ایرانی، از طریق «سامانه اطلاعات جغرافیایی: GIS» مورد نظارت مدیران سیاست فرهنگی و سیاست جنایی در ایران اسلامی واقع گردد؛ نظارتی مبتنی بر استراتژی جنگ نرم نامتقارن، با دو تاکتیک الف) ارتقاء زیرساخت‌های مخابراتی کشور در نظارت بر موارد رمزنگاری و پنهان نگاری داده پیام‌های غیراخلاقی؛ ب) نظارت مجازی بر حجم ترافیک تارنماهای مورد کاربری شایع جوانان ایرانی.

فناوری GIS، ضمن توانمندسازی پلیس ایران در رصد مخفیگاه‌های مرتکبان جرائم سایبری ضداخلاقی (به ویژه تارنماهای مبتذل و مستهجن) و دستگیری ایشان، بستر اجتماعی حق جوان ایرانی بر سلامت اخلاقی محیطی را بیش از پیش فراهم می‌آورد. **واژگان کلیدی:** جنگ نامتقارن، رمزنگاری، سامانه اطلاعات جغرافیایی، جرم شناسی رشد

* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه قم.

Email: mr.khaqani@ymail.com

مقدمه؛ جرم‌شناسی رشد

حقوق بشر در یک نگاه کلی، نظامی است حمایتی که دولت‌ها را در برابر افراد به تکالیفی اعم از مداخله‌ای و یا عدم مداخله‌ای مکلف می‌کند. حقوق جوانان نیز به عنوان بخشی از یک نظام کلان‌تر یعنی حقوق بشر، نظامی حمایتی نسبت به جوانان ارائه می‌دهد. معیارهای رعایت مصلحت نوجوانان و جوانان در وجدان اخلاقی جمعی جامعه است که در تعامل و داد و ستد بین الذهانی در نهایت محصول آن در قالب‌های قانونی دستگاه‌های تقنینی کشور در نظام مردم‌سالار متجلی می‌شود. آزار و سوء استفاده‌های احتمالی از جوانان در خانواده تنها موارد نقض حقوق جوانان نیستند. به رغم تلاش‌های فراوان و سیاست‌گذاری‌های متعدد در آگاه‌سازی جوانان نسبت به وجود نهادهای حمایتی - و از جمله، نهادهای حامی ارزش‌های اخلاقی و دین‌باوری و مشارکت‌های مذهبی - و حق آنها در استمداد از این نهادها، بسیاری از جوانان، حتی در کشورهای توسعه یافته، از بهره‌گیری و یا استمداد از این نهادها امتناع می‌کنند. در کشورهای در حال توسعه این فاجعه به مراتب عمیق‌تر است. تفکیک سستی حوزه خصوصی و عمومی به ویژه در جوامع سستی، در زمینه‌های مربوط به حقوق جوانان مطرح است. نظر به غلبه گفتمان سکولار در جوامع غربی، دولت‌ها در این گونه جوامع به دلیل این که اساساً دغدغه حقوق الهی و تنگاتنگی نسبت اخلاق با حقوق را ندارند، کمتر زحمت توجه و یا سرمایه‌گذاری در برخورد با نقض حقوق جوانان در درون خانواده را به خود می‌دهند. این بی‌اعتنایی سیاست‌گذاران عمومی چنین دولت‌هایی، عامل اصلی زمینه‌ساز محیطی برای بزه‌دیگی اخلاقی جوانان است.

همگام با توجه روزافزون به بررسی عوامل خطر و مؤلفه‌های حمایتی در زندگی نوجوانان و جوانان، رسمیت روزافزونی به نقش سایر نهادهای دولتی و گروه‌های اجتماعی در پیشگیری از جرم داده شده است. نخستین

رویکرد در دسته بندی شاخه‌های پیشگیری از جرم، پیشگیری را در سه سطح اولیه (تمرکز بر زمینه‌های بزه)، ثانویه (هدف گیری اشخاص در معرض خطر بزهکاری یا بزه دیدگی)، ثالثیه (اتخاذ تدابیر برای کاهش ضریب ریسک بازبزهکاری توسط بزهکار: جلوگیری از تکرار جرم) تعریف کرده است. دومین گروه از اقدامات پیشگیرانه ناظر بر کاهش فرصت‌های مجرمانه است که گرایش‌های اصلی آن را می‌توان در قالب پیشگیری انتظامی^۱، پیشگیری توسعه ای^۲، پیشگیری جامعه مدار^۳ و پیشگیری وضعی^۴ تحلیل نمود.

هژمونی رویکرد «امنیت سخت»^۵ به عنوان پارادایم بلامعارض راهبرد امنیتی در دکتترین‌های نظامی کلاسیک امروزه متحول شده و به نفع «امنیت نرم»^۶ تغییر گرانیگاه داده است. این تحول - که در جای خود بدان پرداخته می‌شود - موجب شد رویکردهای سنتی انتظامی که بر تاکتیک‌های عملیاتی پلیسی و ارعابی و کیفرگرا متمرکزاند و به جای پرداختن به عوامل بزهکاری و بزه خیزی به اقدامات پساکیفری محدود می‌شوند، کمرنگ شده و در عوض، سهم تدابیر اقناعی، فرهنگی و ترمیمی افزایش یابد و اقدامات پیش جنایی را هدف قرار دهد. جرم شناسی رشد، گرایش است حاصل این تحول مفهومی.

جرم شناسی رشد، از گرایش‌های بالادستی - متمرکز بر سرچشمه‌های بزه - دانش جرم‌شناسی نظری است که تلاش می‌کند تربیت اخلاقی و اجتماعی کودکان، نوجوانان و جوانان را راهبرد کارآ و اثربخش در قلمرو پیشگیری نخستین جلوه دهد و به جای اهتمام بر تدابیر موقتی و محیط محور - که ایراد جابجایی جرم به آنها وارد است - برنامه‌های آموزشی و

- 1 . Law enforcement prevention
- 2 . Developmental prevention
- 3 . Community-based prevention
- 4 . Situational prevention
- 5 . Hard security
- 6 . Soft security

مهارت‌های ارتباطی و هوش هیجانی (EQ) را اولویت مدیریت مهارت بزهکاری می‌داند. از نظر جرم‌شناسی رشد، عوامل خطر ساز از حیث بزهکاری نوجوانان عبارتند از عوامل مربوط به خود نوجوان، عوامل خانوادگی، عوامل محیطی، و در نهایت، کنش متقابل عوامل خطر مذکور. عوامل دسته اول، عموماً زیستی و خارج از موضوع بحث مقاله است. اما اختصاراً باید گفت آنها حول مخاطراتی نظیر حاملگی زودهنگام، ورود انواع آسیب به جنین یا نوزاد یا کودک، معلولیت‌ها و بیماری‌ها، گسیختگی رفتار و عواملی از این جنس هستند. سائق‌های بزهکاری مربوط به محیط خانواده، که جرم‌شناسی رشد بر جلوگیری از آنها اهتمام دارد مواردی هستند از قبیل: بدرفتاری با نوجوان، مشاخره بین والدین و طرد نوجوان از کانون خانواده، اختلال در ساختار خانواده، اندازه خانواده، نقش شناختی و رفتاری خانواده و از این قبیل. عوامل زمینه‌ای و محیطی مؤثر بر بزهکاری نوجوانان را می‌توان مصادیقی دانست، از جمله: فقر و عقب ماندگی و جابجایی جامعه، پایین بودن کیفیت آموزشی، مدرسه‌گریزی، ناتوانی از بیان خطرهای احتمالی از سوی همسالان. در خصوص کنش متقابل فاکتورهای خطر در سوق به بزهکاری در نوجوانان، نگرانی‌ها مانا تشدید و تضاعف اثر تخریبی و تشویق‌کننده به بزهکاری در نوجوانان است، آن هنگام که این سائق‌ها در هم تنیده می‌شوند و با یکدیگر هجوم اخلاقی علیه «حق نوجوان بر امنیت اخلاقی محیطی» را آغاز می‌کنند.

می‌دانیم دانش جرم‌شناسی کاربردی دارای سه شاخه است: ۱ - جرم‌شناسی سیاست جنایی و تکنیک‌های کیفی (حقوقی) ۲ - جرم‌شناسی بالینی ۳ - جرم‌شناسی پیشگیرانه (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴، ۲۱۱۴). جرم‌شناسی رشد نیز دارای راهبردهایی است که هر یک، رهیافت‌ها و تاکتیک‌های ویژه‌ای دارد. تلاقی ایده‌ها و اهداف جرم‌شناسی پیشگیرانه و جرم‌شناسی رشد در حوزه مبارزه با جرائم علیه عفت انسانی، صحنه تبلور سیاست جنایی اسلامی در حمایت کیفی از «حق بر امنیت اخلاقی»

است؛ حقی که نسبت به قشر جوان در جامعه اسلامی در گفتمان فعلی بخش سکولار جهان که از بی عفتی و تلاشی اخلاقیات الهی رنج می‌برد، پررنگ رخ عیان نموده است. این امر، لزوم بذل اهتمام حداکثری به اتخاذ راهبرد اسلامی - ایرانی در واکنش به جنگ نرم اخلاق زدا از جوان ایرانی در قالب استفاده از نهایت ظرفیت‌های انسانی و مادی در جمهوری اسلامی ایران را ضروری می‌نماید. این نوشتار نشان می‌دهد چگونه بخشی از این تصمیم سازی کلان در سطح مدیریت کشوری می‌تواند با توسل به رویکرد بین رشته‌ای به چهار دانش (الف) جرم شناسی (ب) حقوق بشر (ج) سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی (د) سیاست جنایی در قبال رمزنگاری و پنهان نگاری اطلاعات اتخاذ شود تا گامی در مسیر دفاع از کیان نظام اسلامی از رهگذر حمایت کیفری از امنیت اخلاقی جوانان محسوب گردد.

۲. «حق بر امنیت اخلاقی محیطی»، جنگ نامتقارن سایبری و چالش‌های فرارو

ایده حقوق بشر مشتمل بر دو بخش است: این فرض یا ادعا که هر انسانی مقدس - یا دست کم، محترم - است و ادعای ثانوی این که به دلیل مقدس بودن هر انسان (و با ملحوظ داشتن همه آموزه‌های دینی و ادله عقلی مربوط دیگر) برخی گزینش‌ها باید صورت گیرد و برخی دیگر باید رد شود؛ به ویژه برخی چیزها نباید نسبت به هیچ انسانی انجام شود و برخی دیگر باید نسبت به هر انسانی اعمال شود (Langlois, 2001, 26). حقوق بشر بر کرامت انسانی مبتنی است «لقد کرما بنی آدم» و بی عفتی که پیامد او مانع مفرط و رخت بر بستن خداوند از صحنه زندگی آدمی و نهایتاً بی‌خدایی است، کرامت انسانی را به محاق می‌برد.

با تأمل در متون اسلامی، اسناد بین‌المللی، گفتمان و عرف بین‌المللی قوام نیافته (soft law) می‌توان تمسک به اصول استخراج حکم از منابع خام را در خصوص «حق بر امنیت اخلاقی محیطی» به عنوان یکی از مصادیق حقوق بشر - با تأکید بر حقوق جوانان در جامعه اسلامی، از جهت نرخ بالای ریسک بزه دیدگی در جنگ نرم فزاینده کنونی - قابل

تحلیل دانست و شدنی. از دیگر سو، یکی از مهم شاخص‌های «الگوی حکمرانی خوب»^۱ که در دهه اخیر بر دیگر گفتمان‌های فلسفه کاربردی نظام‌های حقوق اساسی چیرگی یافته است، تلاش دولت‌ها بر رعایت و تضمین رعایت حق بر امنیت اخلاقی محیطی را مورد تأکید قرار می‌دهد و زمینه گذار این حق از قلمرو حقوق نرم به حقوق سخت (hard law) را فراهم می‌آورد.

۱,۲. منابع اسلامی «حق بر امنیت اخلاقی محیطی»

اگرچه تعبیر «حق بر امنیت اخلاقی محیطی» - دقیقاً به شکل همین تعبیر - در سطور متون کلاسیک فقهی به چشم نمی‌خورد، اما مب‌توان به فرازهایی از اخبار و احادیث معصومین علیهم‌السلام به مثابه مبانی نقلی موجد چنین حقی چشم داشت.

الف) خداوند، در آیه ۱۹ سوره مبارکه حشر، یکی از مجازات‌های هوسبازان متمرّد - که ناقضان امنیت اخلاقی جوانان، از جمله ایشان‌اند - را خودفراموشی قرار داده و به مسلمانان هشدار می‌دهد که «همچون کسانی که خدا را فراموش کردند و خداوند به سبب آن، آنها را به خودفراموشی گرفتار ساخت، نباشید! و آنها فاسقان (حقیقی) و گنهکاران‌اند». همچنین توجه به موانع حرکت در مسیر درک معنویت، امری است خطیر که از جمله این موانع می‌توان به انحراف اخلاقی جوانان اشاره کرد.

ب) کیفر مروجان فحشاء در میان مؤمنان طبق آیه ۱۹ سوره مبارکه نور «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» عذاب دردناک دنیوی و اخروی مقرر شده است.

ج) حدیث پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم - «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» - روشنگر این حقیقت است که اتمام و تکمیل ساختارهای ارزشی جامعه،

1. Good governance pattern

از اهم شئون حاکمیت اسلامی است و هر آنچه ارزش‌های اخلاقی جامعه را تهدید کند، حق خداوند و هم البته از مصادیق حقوق بشر است که منع و طرد شود. از این رو، حق ملت - و از جمله، جوانان در جامعه اسلامی - متقابلاً تکلیف دولت را موجه سازی می‌نماید تا با مصادیق تخدیش کننده مبانی ارزشی جامعه اسلامی به مقابله برخیزد.

- د) آیه شریفه «الذی أطعمهم من جوع و آمنهم من خوف» نشانگر لزوم مقابله با ترس از فقدان امنیت در جامعه اسلامی است که وجه ایجابی آن را در قالب تکلیف حکومت اسلامی به ارتقاء «احساس امنیت» علاوه بر تأمین امنیت می‌توان مقبول دانست. آیه شریفه «و لقد بعثنا فی کل امة رسولا ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت» بر لزوم مبارزه مدیران و تابعان حکومت اسلامی با تهدیدهای سخت و نرم طاغوت تأکید دارد؛ تأکیدی مبین حق ملت و تکلیف دولت بر رعایت و تضمین رعایت این حق.

ه) امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «ثمرة الحزم السلامة: فایده دورانندیشی، سلامت و ایمنی از حوادث است» (فیض الإسلام، ۱۳۸۷، حکمت ۱۷۲). این بیان شریف از مولی الموحدين علیه السلام بر اهمیت پیشگیری از تهدیدها - و از جمله تهدیدها، تهدید نرم علیه امنیت اخلاقی جامعه اسلامی است - اشاره دارد.

و) امیر مؤمنان علیه السلام در کلام حکیمانه خود بقا و پای داری دولت‌ها را با برنامه‌ریزی و چاره‌اندیشی در قبال تهدیدها - و از جمله ی تهدیدها، جنگ نرم - گره زده، می‌فرمایند: «امارات الدول انشاء الحیل: پای داری و بقای دولت‌ها بستگی به برنامه‌ریزی و چاره‌اندیشی در امور دارد» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۸، ج ۲، ۵۵۱).

ز) نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به ابن مسعود، او را از انجام کارهایی که همراه با آینده‌نگری و تدبیر نباشد، بر حذر می‌دارند و می‌فرمایند: «یا بن مسعود، اذا عملت عملاً فاعمل بعلم و عقل و ایاک ان تعمل عملاً بغير تدبیر و علم فانه - جل جلاله - يقول: "ولا تکنوا کالتی نقضت غزلها من بعد»

قوة انکاتا: ابن مسعود، هرگاه در پی انجام کاری هستی، از روی دانش و خرد به آن پرداز و از این که کاری را بدون آینده‌نگری و آگاهی انجام دهی بر حذر باش! به درستی که خداوند می‌فرماید: همانند زنی مباشید که بافته‌اش را پس از این که محکم گردانیده بود، جاهلانه باز کرد.» (علامه مجلسی، ۱۳۸۷، ج ۷۴، ۱۱۰).

بر این اساس، تدبیرگرایی سیاست‌گزاران جنایی در کشور اسلامی در حوزه مقابله با جنگ نرم نباید مغفول واقع شود.

۲.۲. اسناد بین‌المللی «حق بر امنیت اخلاقی محیطی»

مهم‌ترین سند بین‌المللی درباره سلامت اخلاقی جوانان و نوجوانان و مسائل حقوقی پیرامون آن، بند ج بخش اول ماده ۳۴ کنوانسیون حقوق کودک است که کشورهای طرف کنوانسیون را متعهد به اتخاذ کلیه اقدامات ملی، بین‌المللی، دو و چندجانبه به جلوگیری از «استفاده استثمار از کودکان در اعمال و مطالب هرزه‌نگاری» نموده است.

کمیساریای اتحادیه اروپا در چهارمین «کنفرانس جهانی علیه استثمار جنسی و تجاری از کودکان» در ۱۹۹۶ تأکید کرد دولت‌های عضو مکلف‌اند در مبارزه جهت خاتمه دادن به خودفروشی کودکان، هرزه‌نگاری و قاچاق کودکان با اهداف جنسی - تجارت سفید: فحشا - سیستم‌های ارتباطی قرمز را گسترش دهند. در این راستا، به طور مثال، «انجمن محلی نروژی نجات کودکان» مبادرت به برقراری یک سیستم ارتباط قرمز و یک واحد پلیس رایانه‌ای بین‌المللی متشکل از ۱۵ هکر متخصص نموده تا توزیع کنندگان تصاویر هرزه‌نگاری و نیز محل آنها را شناسایی کنند. (Skog, 1998,21)

همچنین «قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای مدیریت دادگستری جهت نوجوانان» - موسوم به «قواعد بیجینگ» - در ماده ۱،۲ از بخش اصول عمومی این سند بین‌المللی صراحتاً بر این حق برای جوانان به عنوان تکلیف دولت‌ها تأکید دارد: «دول عضو تلاش خواهند نمود

شرایطی را که مقتضای زندگی مفید و معنی داری جهت نوجوانان در جامعه فراهم کرده و در این دوره از زندگی، او را که در معرض بیشتر احتمال گرایش به سوی رفتارهای انحرافی قرار دارد، به سوی فرآیند توسعه شخصی و آموزش خویش به نحوی که از جرم و جنایت تا سر حد امکان به دور باشد، هدایت نماید.» همچنین حفاظت نوجوانان، وظیفه دیگری است بر عهده دولت ها و حقی از آن جوانان؛ حق و تکلیفی که ماده ۴,۱. قواعد بیجینگ بر آن تصریح دارد: «عدالت نسبت به نوجوانان به عنوان بخش لاینفکی از فرایند توسعه ملی هر کشور در چهارچوب کلی عدالت اجتماعی برای نوجوانان قلمداد شده و در عین حال به حفاظت جوانان و حفظ نظم مسالمت آمیز در جامعه کمک خواهد کرد.» لزوم واکنش دهی افتراقی نظام های عدالت کیفری به مسائل جرم شناختی پیرامون جوانان - اعم از بزهکاری و بزه دیدگی ایشان - امری خطیر و ضروری است که به شایستگی در ماده ۲۲,۲ قواعد بیجینگ ملحوظ است: «خدمه مربوط به عدالت نوجوانان بایستی متناسب با تنوع نوجوانانی که با نظام قضایی در تماس قرار می گیرند، باشند.» مهم تر از همه مواد مذکور قواعد بیجینگ پیرامون حقوق جوانان در عرصه تکالیف مشترک دولت ها باید به ماده ۳۰ این سند در قسمت ششم - تحقیق، طرح ریزی، تنظیم خط مشی ها و ارزیابی - و به طور ویژه، به بند ۴ این ماده توجه کرد که اشعار می دارد: «ارائه خدمات در مدیریت عدالت برای نوجوانان به طور منظم طرح ریزی و به عنوان جزء لاینفک از تلاش های توسعه ملی، اجرا گردد.» روشن است بند مذکور، در قلمرو سیاست جنایی لازم الرعایه از ناحیه دولت ها قابل تحلیل است. بی شک، در جهان معاصر که الگوی جنگ متحول گشته و رویکرد نرم در حقوق مخاصمات مسلحانه تلاش می کند دیپلماسی عمومی کشورهای مروج عفت عمومی در پهنه جهان - که جمهوری اسلامی ایران سرمدار آنان است - را خنثی کند، اهمیت حفاظت از امنیت اخلاقی جوانان در جامعه اسلامی بیش از پیش ضرورت می یابد.

یکی از مهم‌ترین اصول حقوق بشری در حوزه حقوق جوانان در ماده سوم «کنوانسیون حقوق کودک» ۱۹۸۹ سازمان ملل متحد مورد تصریح قرار گرفته است. «اصل محوریت مصلحت کودک» را شاید بتوان مهم‌ترین اصل حقوق بشری مرتبط با حقوق جوانان و نوجوانان دانست. با توجه به جایگاه این اصل، یعنی قلمرو منفک حوزه حقوق عمومی از حقوق خصوصی، نقش مهمی در ایجاد تعادل حقوق بشری در ساحت حیات و بالندگی حیاتی جوانان ایفا می‌کند. اهمیت این اصل از آن جهت است که به عنوان ابزاری حقوقی به دستگاه‌های عمومی اجازه خواهد داد که ضمن احترام به حقوق قیمومت مآبی والدین یا سرپرستان نوجوان و تازه جوان، در برابر بی‌اعتنایی به حق جوان و نوجوان بر رشد در محیط امن به لحاظ اخلاقی - حتی چنان که همراه سوءنیت نباشد - حمایت نمایند (سیدفاطمی، ۱۳۸۸، ۳۶۳).

حق‌ها و آزادی‌های بنیادین مقرر در کنوانسیون حقوق کودک نقش تفسیر این اصل کلی را ایفا کرده است؛ حقیقتی که به وضوح هم از نص و هم از سیاق و مذاق متن کنوانسیون پیداست. ماده چهارم کنوانسیون به ماهیت تعهدات دولت‌ها در تضمین حق‌ها و آزادی‌های مقرر در این کنوانسیون می‌پردازد. به نظر می‌رسد این ماده بدون اشاره صریح، به نحوی از دو گونه تعهد دولت‌ها در این زمینه سخن گفته باشد. تعهد دولت‌ها در پیش‌بینی مقررات مناسب و اقدامات اداری مقتضی در اجرای حق‌های مقرر در این کنوانسیون یک تعهد بالفعل است. همچنین ماده ۱۸ کنوانسیون بر مسئولیت مشترک والدین در پرورش نوجوان و جوان تأکید می‌کند. ماده ۱۹ در عین حال از دولت‌های عضو می‌خواهد که با بهره‌گیری از اقدامات تضمینی اداری، اجتماعی و آموزشی، نوجوان و جوان را نسبت به هر گونه سوء استفاده، خشونت و صدمه‌های احتمالی جسمی و روانی [طبعاً از جمله، صدمه روانی ناشی بزه دیدگی اخلاقی از جنگ نرم نامتقارن سایبری] مورد حمایت قرار دهند.

«کنوانسیون سازمان ملل متحد پیرامون جرائم سایبر» در ماده (a) ۹

هرزه نگاری کودکان به قصد انتشار از طریق رایانه را جرم انگاری کرده است. همچنین است ماده (b) ۹ پیشنهاد تهیه و مستقل از آن، تهیه داده پیام‌های هرزه نگارانه اطفال را مستوجب کیفرسانی دانسته و بندهای c, d و e ماده مذکور به ترتیب با جرم انگاری انتشار و انتقال، معاونت در امور فوق الذکر و وارد کردن اطلاعات پورنوگرافیک، کشورهای عضو این سند بین المللی را به اتخاذ تمامی تدابیر پیش جنایی و پساکیفری جرائم رایانه‌ای علیه حق کودکان بر امنیت اخلاقی سایبری - به شرحی که در مبحث بعد آمده است - موظف ساخته است.

اشاره به جلوه سلبی اصل اثباتی غایت بودن انسان - که روی دیگر آن، اصل منع رفتار ابزاری با انسان است - خالی از لطف نیست. غایت بودن انسان اقتضای حق بر انتخاب گرایش و مناسک مذهبی و عمل بر طبق انتخاب دارد و جنگ نرم علیه امنیت اخلاقی جوانان حقیقتاً هجمه علیه حق آرامش بر انتخاب باورهای و نقض حق آرامش بر انجام آیین‌های مذهبی است. در جهانی که گفتمان معاصر حقوق بشری اش، سخن از این می‌راند که اصل بنیادین حق تعیین سرنوشت و استقلال فردی در عمل، در ساحت آزادی مذهبی، «حق بر خطا بودن» را به دنبال خواهد داشت و بنابراین آزادی مذهب در اسناد بین المللی را جلوه‌ای از «حق اخلاقی» بر خطا بودن می‌داند، آیا نمی‌توانیم جنگ سایبری علیه امنیت اخلاقی جوانان را به طریق اولی، نقض حق آزادی مذهبی بدانیم؟! بی شک، پاسخ مثبت است.

در مجموع باید گفت صندوق بین المللی کودکان ملل متحد (یونیسف)، سازمان آموزشی و فرهنگی و علمی ملل متحد (یونسکو) و سازمان پلیس جنایی بین المللی (ایترپول) جملگی ملزم هستند تا تمرکز اهتمام خود را، از تحقیق و ریشه کن کردن اشکال سنتی هرزه نگاری کودکان گرفته تا جلوگیری از اشاعه مطالب غیرقانونی و زیان آور در اینترنت، گسترش دهند. (UNESCO, 1999, 4)



۳،۲. حقوق موضوعه ایران و «حق بر امنیت اخلاقی محیطی»

جلوه‌های حمایت کیفری از «حق جوانان بر امنیت اخلاقی در جامعه ایران اسلامی» در عرصه سیاست جنایی تقنینی جمهوری اسلامی ایران را می‌بایست ابتدا در دیباچه قانون اساسی کاوید. در فرازی از دیباچه آمده است: «زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت شیئی بودن و یا ابزار کار بودن در خدمت اشاعه مصرف زدگی و استعمار، خارج شده و ضمن باز یافتن وظیفه خطیر و پر ارج مادری در پرورش انسان‌های مکتبی، پیش آهنگ و خود، هم‌رزم مردان در میدان‌های فعال حیات می‌باشد و در نتیجه پذیرای مسئولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود.» روشن است تحقق این مهم در گرو تمهید تدابیر صیانت‌کننده از عفت اخلاقی در بستر جامعه اسلامی است، تا هم بانوان در مسیر رشد و بالندگی قرار گیرند و هم مردان آرامش اخلاقی داشته باشند. مؤید دیگری در دیباچه قانون اساسی پیرامون حق بر امنیت اخلاقی محیطی - این بار از نوع سایبری و امواج رادیویی - وجود دارد: «وسائل ارتباط جمعی بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه از برخورد سالم اندیشه‌های متفاوت بهره جویند و از اشاعه و ترویج خصلت‌های تخریبی و ضد اسلامی جداً پرهیز کند.» لازم به ذکر است قانون اساسی در بند ۱۴ اصل سوم بر حق امنیت و تکلیف دولت بر رعایت و تضمین رعایت این حق در قالب تعبیر «تامین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت» تأکید می‌ورزد. اصل هشتم نیز بر امر به معروف و نهی از منکر - که از مصادیق منکر، نقض حق بر امنیت اخلاقی محیطی است - تصریح دارد. اصول نوزدهم، بیستم و یکم نیز بر تساوی افراد در برخورداری از حقوق بشر و شأن زن و حقوق وی از جمله «ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیاء حقوق مادی و معنوی او» اهتمام دارد. ارتباط مفهومی میان سه اصل اخیرالذکر در قانون اساسی ایران با هرزه‌نگاری کودکان از این جهت درک می‌شود که

نقض امنیت اخلاقی اطفال با هرزه نگاری ایشان قطعاً رشد شخصیت جنس مؤنث و به تبع و متقابلاً جنس مذکر را مورد حمله شدید قرار می دهد.

در قانون مجازات اسلامی، حمایت کیفری از حق بر امنیت اخلاقی محیطی در موادی از جمله ماده ۶۴۰ به عمل آمده است. ماده مذکور مقرر می دارد: «اشخاص ذیل به حبس از سه ماه تا یک سال و جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال و تا ۷۴ ضربه شلاق یا به یک یا دو مجازات مذکور محکوم خواهند شد: ۱ - هر کس نوشته یا طرح، گراور، نقاشی، تصاویر، مطبوعات، اعلانات، علایم، فیلم، نوار سینما و یا به طور کلی هر چیز که عفت و اخلاق عمومی را جریحه دار نماید برای تجارت یا توزیع به نمایش و معرض انظار عمومی گذارد یا بسازد یا برای تجارت و توزیع نگاه دارد. ۲ - هر کس اشیای مذکور را به منظور اهداف فوق شخصاً یا به وسیله دیگری وارد یا صادر کند و یا به نحوی از انحا متصدی یا واسطه‌ی تجارت و یا هر قسم معامله‌ی دیگر شود یا از کرایه دادن آن‌ها تحصیل مال نماید. ۳ - هر کس اشیای فوق را به نحوی از انحا منتشر نماید یا آن‌ها را به معرض انظار عمومی بگذارد. ۴ - هر کس برای تشویق به معامله اشیای مذکور در فوق و یا ترویج آن اشیا به نحوی از انحا اعلان و یا فاعل یکی از اعمال ممنوعه‌ی فوق و یا محل به دست آوردن آن را معرفی نماید.» همچنین است ماده ۶۳۹ ق.م.ا که با جرم انگاری دایر کردن، اداره کردن، تشویق نمودن یا ایجاد موجبات تشویق مردم به فساد یا فحشا، وجه دیگری از حمایت کیفری از عفت اخلاقی جامعه به منظور پیشگیری از بزهکاری اخلاقی و بزه دیدگی اخلاقی - که جوانان در کانون این مخاطرات هستند - را به منصفه ظهور رسانده است. ماده ۶۳۸ و تبصره آن نیز تدبیر دیگری در تضمین حق بر امنیت اخلاقی محیطی اتخاذ کرده است.

قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۷ نیز در ماده ۱۴ تولید، ارسال، منتشر، توزیع یا معامله نمودن یا ذخیره یا نگهداری داده‌های مبتذل و

مستهجن را مستوجب مجازات قانونی حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات می‌داند. نیز هتک حیثیت از طریق تغییر یا تحریف فیلم، صوت یا تصویر فرد دیگر به وسیله سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی جرم انگاری شده و همچنین انتشار صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او را مستوجب کیفر دانسته است.

مستند دیگر، ماده ۴ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ است که هرگونه صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی ایشان را مستوجب کیفر سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس و تا ده میلیون ریال جزای نقدی دانسته است؛ مجازات اندکی که به نظر می‌رسد با سیاست جنایی تشدید جمهوری اسلامی ایران در حمایت کیفری از حق بر امنیت اخلاقی محیطی جندان سازگار نیست و تهدید تقنینی و بازدارندگی مفیدی ندارد.

قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در خصوص فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان، آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی، قانون واگذاری قیومت محجوران تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور به سازمان مذکور تا زمان تعیین قیم توسط دادگاه، سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی و اسناد و سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از دیگر مستندات قانونی کشور است که می‌توان «حق بر امنیت اخلاقی محیطی» به طور عام، و جلوه‌های افتراقی و پردغدغه تر این حق را به طور خاص برای کودکان استخراج کرد. علاوه بر قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی و قانون جرائم رایانه‌ای، قوانین کیفری متعدد دیگری نیز به شیوه‌های گوناگون از حق بر امنیت اخلاقی محیطی حمایت کیفری کرده اند، که نظر به عدم تمرکز هدف این مقاله بر موضوع‌های حقوق کیفری اختصاصی از جهت



تحلیل جرائم علیه امنیت اخلاقی، به ذکر همین چند مستند قانونی اصلی بسنده شد.

۳. جنگ نامتقارن سایبری؛ برآیند مهندسی فرهنگی تهدید نرم علیه عفت جوانان

بررسی فرهنگ و منازعه‌های ایدئولوژیک در عرصه فرهنگی در نظام جهانی نشان می‌دهد «توسعه فرهنگی» فرآیندی است که با ایجاد تغییرات در حوزه ادراکات، سپس ارزش‌ها و در پی آن گرایش‌های انسان محقق می‌گردد. اما گاهی انحراف از مسیر توسعه، قهقرای فرهنگی را در قالب اضمحلال بنیان ادراکات، ارزش‌ها و گرایش‌های اعتقادی و رفتاری افراد جامعه‌ی بزه دیده‌ی فرهنگی به بار می‌آورد.

هر یک از مفاصل اخلاقی ریشه‌هایی در درون جان انسان دارد. با خودشناسی، آن ریشه‌ها شناخته می‌شود و درمان این دردهای جانکاه را آسان می‌سازد. به این ترتیب، راه وصول به تهذیب در برابر انسان هموار می‌گردد درست در این نقطه است که تهدیدهای سخت و نرم در ایمان راسخ جوان مسلمان ایرانی کاراً نیست.

وقتی به صورت تدریجی و نامحسوس ادراک مردم در مقابل دغدغه‌ها صیانت می‌شود یا هنگامی که اعضای جامعه بسان شبکه اخلاقی از بروز اختلال ممانعت می‌کنند و مانند دزدگیر ماشین، اقدام دزدانه را افشاء و عمل سرقت را پرهزینه می‌سازند، در واقع نوعی امنیت نرم برقرار است در واقع، برخلاف امنیت سخت که کنترلی، دستورالعملی، جنجالی و از بالا به پایین است، امنیت نرم متضمن ترغیب (به جای کنترل)، غیر رسمی (به جای دستورالعملی) و خاموش (به جای جنجالی) است و از لایه‌های پایین جامعه صادر می‌شود (نصری، ۱۳۸۷، ۱۶۶).

اگرچه مصادیق رایج تهدید نرم در عصر حاضر همانا عدم سلامت هسته‌ای، بیماری‌های مسری خطرناک، مهاجرت غیر قانونی، قاچاق شبکه‌ای، انتقال سلاح، مخاطرات بهداشتی و زیست محیطی، فساد و تبعات اقتصادی و سیاسی آن، مخاطرات شدید علیه بقای افراد، رشد

آسیب‌پذیری‌های اجتماعی، عدم «حکمرانی مطلوب»، بی‌ثباتی دولت‌ها، تهدیدهای منطقه‌ای و قاره‌ای و سیاست‌های تبعیض آمیز و ساختارهای فاسد هستند، اما آنچه تهدیدی بسیار خطرناک‌تر - به لحاظ کانون قرار دادن اصول اعتقادی و سلامت اخلاقی افراد جامعه - است، تهدید علیه عفت عمومی است. حجم عمده شکل این تهدید، امروزه در قالب تارنماهای مستهجن و مروج روابط جنسی آزاد و نامتعارف (با ملاک عرف عقلائی فطرت مدار) است.

تلاش برخی دولت‌های غربی و آسیای جنوب شرقی به منحرف کردن مسیر جهانی شدن^۱ به سمت جهانی‌سازی^۲ منحصر به حوزه اقتصاد جهانی نیست و در بستر رویکرد خاص ایشان به «مهندسی فرهنگی»^۳ باید تحلیل شود. مبانی نظام فرهنگی غرب - اومانیسیم، رشنالیسم، سکولاریسم، ماتریالیسم، ناتوریالیسم، ایندیویدوالیسم و یوتیلیتاریانیسم - ایدئولوژی پیروان خود و قربانیان خود را عملاً به سمت بی‌عفتی اخلاقی و حتی تلاش برای ترویج بی‌عفتی اخلاقی رهنمون شده است. هر کشوری که مهندسی فرهنگی ملت در آن، بر مبنای هویت‌های «فطرت محور»، «تکامل یابنده» و «تعامل پذیر» شکل نگرفته و انسجام نیافته باشد، همواره در دو سوی یک طیف هویتی، سرگردان و معطل می‌ماند. این دو همانا بنیادگرایی افراطی و بی‌عفتی لاقیدی است.

آنچه زمینه جنگ نامتقارن سایبری غرب و عرب و شرق دور - عموماً تایلند و فیلیپین - علیه حقوق جوانان در جامعه اسلامی را مساعد ساخته، بحران در مهندسی فرهنگی جامعه جوان ایرانی است. این بحران که در ایجاد آن، نقش اقدامات نسنجیده و تدابیر شتاب‌آلود و غیرواقع بینانه پررنگ است، جلوه‌هایی دارد، از جمله: (۱) استمرار بحران هویت در میان جوانان، (۲) شکنندگی و آسیب‌پذیری پدیده امنیت اجتماعی، (۳) رواج

1 . globalization

2 . universalization

3 . social engineering

خصلت زیان بار بی تفاوتی به سرنوشت فردی و اجتماعی خویش و حتی اتخاذ رویه مبارزه منفی از سوی برخی اقشار جامعه، (۴) تداوم نرخ آسیب‌های اجتماعی زمینه‌ساز بی‌عفتی اخلاقی مانند طلاق، اعتیاد و مسخ فرهنگی جوانان.

مهندسی فرهنگی، ترسیم نقشه محتوایی و تعیین نسبت اجزایی است که کلیت فرهنگ را شکل می‌دهد. در این نقشه، اجزاء و لایه‌های نگرشی، ارزشی و رفتاری فرهنگ به تفصیل مورد توجه قرار گرفته و نسبت میان آنها، میزان تأثیرگذاری هر یک بر سایر اجزاء و لایه‌ها (مثبت و منفی) در وضع موجود و مطلوب مشخص و شبکه تعامل آنها ترسیم می‌گردد. اصول لازم الرعایه که قبل از تدوین نقشه مطلوب برای مهندسی فرهنگ باید مطمح نظر قرار گیرند، عبارتند از: (۱) جامعیت و تخصص، (۲) آرمان‌گرایی، واقع‌بینی و آینده‌نگری (۳) مشارکت و اجماع (۴) انسجام و استناد (۵) مراتب متکامل و اکمال متقابل. (همچنین باید توجه داشت که در مهندسی سیستم‌های ساده از روش‌های تجزیه و تحلیل، مبتنی بر منطق کلاسیک بهره گرفته می‌شود، ولی در مهندسی سیستم‌های پویا و پیچیده همچون سیستم فرهنگ، از روش‌های علمی غنی‌تر مبتنی بر «منطق فازی»^۱ و «نظریه‌های آشوب»^۲ باید بهره برد. (روحانی، ۱۳۸۷، ۳۳)

با ابتناء بر بیانات مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (حفظه الله) در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۶/۹/۱۷) مهندسی فرهنگی سه وظیفه مهم یعنی (۱) ارزیابی وضعیت موجود (۲) تعیین فرهنگ آرمانی (یا همان وضعیت فرهنگی مطلوب) و (۳)

۱. «منطق فازی» (Fuzzy Logic) فناوری جدیدی است که شیوه‌های مرسوم برای طراحی و مدل سازی یک سیستم را که نیازمند ریاضیات پیشرفته و نسبتاً پیچیده است با استفاده از مقادیر و شرایط زبانی و یا به عبارتی دانش فرد خیره، و با هدف ساده سازی و کارآمدتر شدن طراحی سیستم جایگزین و یا تا حدود زیادی تکمیل می‌نماید.

۲. «بی‌نظمی و آشوب» (Chaos Theory) نوعی بی‌نظمی منظم (orderly Disorder) یا نظم در بی‌نظمی است. بی‌نظم از آن رو که نتایج آن غیر قابل پیش‌بینی است و منظم بدان جهت که از نوعی قطعیت برخوردار است. ویژگی‌های نظریه آشوب که ضربه‌های جدی به پیکره پارادایم سنتی مدیریت وارد آورده است عبارتند از: اثر پروانه‌ای، سازگاری پویا، جاذبه‌های غریب و خودمانائی.

ارائه برنامه و ارائه طریق را برعهده دارد. ایشان می‌فرمایند: «یکی از مهم‌ترین تکالیف ما در درجه اول، مهندسی فرهنگ کشور است؛ یعنی مشخص کنیم فرهنگ ملی، فرهنگ عمومی، حرکت عظیم درونزا و کیفیت بخش که اسمش فرهنگ است و در درون انسان‌ها و جامعه به وجود می‌آید چگونه باید باشد، اشکالات و نواقصش چیست و چگونه باید برطرف شود؛ کندی‌ها و معارضاتش کجاست؟ باید این مسئله مهم را خیلی جدی‌تر گرفت.» به این ترتیب، مهندسی فرهنگی کشور، مهندسی کلان نظام کشور، نظامات، سازمان‌ها، سیاست‌ها و قوانین و سازوکارها، مبتنی بر اهداف فرهنگی است.

اما جنگ نامتقارن سایبری چیست و چرا و چگونه ابزار تهدید نرم علیه امنیت اخلاقی جوانان در ایران اسلامی قرار گرفته است؟ جنگ نامتقارن که از جلوه‌های جنگ‌های پسامدرن است به بکارگیری راهبردهای و کاربست‌های غیرقابل پیش‌بینی یا غیرمتعارف برای خنثی نمودن یا تضعیف قوای دشمن و در عین حال، بهره‌برداری از نقاط آسیب‌پذیر او از طریق فناوری‌های مبتکرانه اطلاق می‌شود. (Skelton, 2001, 23)

در جنگ‌های نامتقارن - به طور کلی و نه از نوع سایبری به طور خاص -، نابرابری و تفاوت فاحش توانمندی‌های نظامی طرف‌های متخاصم - اعم از شاخص بین‌المللی یا بازیگران غیردولتی - توجیهی استراتژیک برای دست‌زدن به اقدامات نامتعارف (حتی به کارگیری شیوه‌ها و ابزارهای جنگی ممنوعه با زیر پا گذاشتن اصول تفکیک، منع درد و رنج بی‌هوده و حرمت بیطرفی) تلقی می‌گردد؛ چرا که در این دکترین، به کارگیری قدرت نظامی تنها در راستای حصول نتیجه (عدم شکست در جنگ با دشمن قوی) تعیین و گزینش می‌گردد. از طرف دیگر، دولت‌های قوی نیز در اقداماتی که علیه استراتژی جنگ نامتقارن طرف دیگر (ضد استراتژی جنگ نامتقارن) انجام می‌دهند، حقوق بشردوستانه را نقض خواهند کرد (ساعد، ۱۳۸۵، ۸۹).



بر عکس، در نوع سایبری از جنگ نامتقارن و آن هم در جنگی نرم علیه ارزش‌های اخلاقی جامعه مسلمان مورد مخاصمه با دولت غربی، عربی یا شرقی مهاجم - مهاجم با سلاح هرزه نگاری تارنماهای اینترنتی و دیگر بی‌عفتی‌ها به روش ماهواره‌ای یا سایبری - اتخاذ راهبرد نامتقارن و کاربست تاکتیک‌های برآمده از آن نه تنها نقض هنجارهای الزام آور بین‌المللی در فرایند مخاصمه از جانب دولت و ملت ایران نیست، بلکه وظیفه‌ای معقول و مشروع در قالب دفاع مشروع پیشگیرانه - و نه حتی پیش‌دستانه، که مشروعیت آن محل ابهام باشد - است.

از طرف دیگر، تحول جنگ را می‌توان از منظر مبانی اخلاقی و دینی آن نیز که اساساً به مفهوم بین‌المللی مشروعیت^۱ و توجیه^۲ دنیوی و اخروی، ملی و بین‌المللی پذیرش این سبک منازعات مربوط می‌شود، مورد توجه قرار داد. بر این اساس، در کنار نسخه اصلی و غربی این مفهوم، تعبیری محدود شده و تنقیح یافته از دکترین جنگ نامتقارن وجود دارد که در آن اغلب موانع حقوقی فراروی این نظریه نیز برطرف شده است. در واقع، به موازات انگاره رایج از جنگ نامتقارن می‌توان این چارچوب را به گونه‌ای تغییر داد و تعدیل نمود که جنگ نیز در مخاصمه غیرمسلحانه سایبری، انسانی شود. اما از فرصت‌های نامتقارن برای ضربه زدن به دشمن قوی استفاده کرد یا پیروزی دشمن را دشوار ساخت. بر این اساس، «ضد جنگ نامتقارن اخلاقی» تعریف می‌شود به: «راهبرد پدافند غیرعامل در جنگ نامتقارن غیراخلاقی ناقض عفت عمومی» یا «متکی به ملاحظات دینی به منظور تضمین رعایت حق بر امنیت اخلاقی محیطی برای جوان در جامعه ایران اسلامی».

این برداشت، مبتنی بر درک تناقض‌های نهفته در دکترین‌های غربی است؛ دکترین‌هایی که اغلب فراتر از وضعیت متعادل جهان ابداع می‌شوند و نه تنها در جستجوی کسب برتری‌های بلامنازع غرب هستند، بلکه در

1. legitimacy

2. justification

این مسیر همه هنجارهای موجود را که حتی خود نیز روزگاری مدافع خلق آنها بوده‌اند، کنار می‌گذارند. نسخه دوم و اصلاح شده این دکترین، درصدد رفع بی ضابطگی در رفتار طرف‌های متخاصم است، نظم را حتی در نبرد می‌پذیرد و محدوده ضرورت به کارگیری زور را نیز در پرتو ملاحظاتی انسانی (بر مبنای برداشتی الهی و اخلاقی یا حتی طبیعی) ترسیم می‌کند. چنین نسخه‌ای در سطح خود قابل توجه است و می‌تواند خلاقیتی در این حوزه به شمار رود. حتی می‌توان گفت با تغییر اساسی برخی چارچوب‌های عملیاتی دفاع نامتقارن، دکترین پدید خواهد آمد که دیگر از جنگ نامتقارن مطرح در ادبیات نظامی معاصر فاصله‌ای زیاد خواهد داشت. به نظر می‌رسد برای کشورهای شرقی که اغلب بر استقلال در اندیشه و فلسفه خود از جمله در امور نظامی، تکیه از ترویج رفتارهای بی ضابطه غرب نگرانند، باید مبانی فلسفی و راهبردهای عینی چنین نسخه‌ای، تبیین و به صورت عام منعکس شود. در این نسخه، رعایت ملاحظات بشردوستانه به تبع محوریت اخلاق و دین در تبیین کارویژه نیروهای مسلح، به خوبی و کفایت حاصل خواهد شد. در واقع؛ به دلیل مبنای مشترک اصل حقوق بشر از یک سو و اخلاق و دین از سوی دیگر، مطابقت رفتارهای تجویزی در نسخه جدید و اصلاحی دکترین مذکور با حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مفروض است.

۴. هرزه نگاری؛ تحول مفوم سلاح و نقض هنجارهای بین‌المللی ناظر بر کاربرد سلاح در رزم

جنگ، ادامه سیاست با ابزارهایی دیگر است. مقاومت‌های مردمی در قبال تهاجم - و من جمله، تهاجم فرهنگی - فارغ از آن که نفس توسل به زور «مشروع» باشد، حق مسلم این سکنه خواهد بود و عدم عضویت سکنه مذکور در نیروهای مسلح منظم دولت سرزمینی (یا دولت حاکم) به خودی خود نمی‌تواند مانعی فراروی تبدیل سریع این افراد به رزمندگان مشروع گردد.

با این حال، بر اساس قواعد حقوق بین الملل بشردوستانه برای این که مقاوت‌های نامنظم - در اینجا مقاوت در برابر هجمه فرهنگی تارنماهای هرزه نگار - بتواند مورد حمایت این حقوق باشد باید شرایط زیر وجود داشته باشد: الف) این حق مختص مردم مورد هجوم - هجوم نظامی یا اقتصادی یا بطور خاص، هجوم فرهنگی - است. ب) مسلح شدن ملت؛ که به معنای مقابله با دولت مهاجم [تولیدکننده و فرستنده محصولات فرهنگی غیراخلاقی هرزه نگار] باشد و نه البته به معنای فرصتی برای تهاجم فرهنگی فرهنگی متقابل ج) رعایت قوانین و عرف‌های بین المللی الزام آور از نوع Jus Cogens (قاعده آمره) و Erga Omnes (قاعده عام الشمول) توسط ملت مدافع [ایران] در برابر تهاجم هرزه نگارانه.

امروزه، در عصر جنگ‌های پست مدرن، دسته بندی سنتی از سلاح‌های متعارف و نامتعارف دستخوش تحول بنیادین شده است. با این که عمدتاً سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیک و هسته‌ای را سلاح‌های کشتار جمعی می‌دانند اما در تعاریف جدید، سلاح‌های رادیولوژیک و حتی سلاح‌های نامتعارفی که نوع کاربرد آنها موجب ایجاد حجمی عظیم از تلفات می‌شود (Sandoz, 2000, 98)، در این قالب تبیین می‌گردد. کاربرد این سلاح‌ها در درگیری‌ها، اصل نامحدود نبودن اختیارات دولت‌ها در بکارگیری سلاح و جنگ افزار را نقض می‌نماید. کمیته بین المللی صلیب سرخ نیز برای فهم صحیح پیامدهای مصادیق سلاح‌های نامتعارف از این جهت که موجب درد و رنج غیرضروری هستند یا نه، به مطالعات فنی و پزشکی روی آورده است. (Roberts, 2000, 45)

سلاح‌های نامتعارف را با تکیه بر خصائص و معیارهای پراگماتیک می‌توان با این ملاک‌ها شناخت: الف) قدرت صدمه به امنیت [امنیت فیزیکی، اقتصادی، اخلاقی] ب) توده‌ای بودن جمعیت و اموال آسیب پذیر در معرض قربانی شدن نسبت به این نوع اسلحه ج) عدم امکان کنترل یا دفاع مؤثر. با عنایت به این که هرزه نگاری با هدف ترویج بی‌بندوباری و انحراف جوانان در ایران اسلامی کاملاً با ملاک‌های پیش گفته تطبیق دارد

باید جنگ سایبری غرب علیه و خاور دور (با تأکید بر دو کشور تایلند و فیلیپین) را مصداق توسل آشکار به «سلاح نامتعارف» علیه جوامع متخلق به اخلاق - به طور خاص، ایران - دانست و مقررات کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و لاهه را بر امر حاکم دانست. چرا که نگارنده بر این باور است که استفاده از راهبرد قبیح هرزه نگاری، توسل به گونه‌ای سلاح نامتعارف است و قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی بر جنگ سایبری فرهنگی حکومت دارد.

سلاح‌های نوین و پسانوین در تعاقب یکدیگر موجب پیشرفت صنایع نظامی به سمت درگیری‌های پست مدرن شده‌اند، تا جایی که الگوهای مدیریت جنگ را نیز در پی خود متحول کرده‌اند. سلاح‌های غیرکشنده، عمدتاً سلاح‌های مجهز به فناوری‌های نوین بیوتکنولوژی و علوم ژنتیک و حتی کاربرد نانوفناوری در صنایع شیمیایی هستند سلاح‌های کشتار جمعی از نوع شیمیایی و بیولوژیک را از حد «کشندگی» به «سلب موقت توان رزمی» نیروهای دشمن تقلیل داده و با استفاده از خواص شیمیایی و بیولوژیک عوامل، سربازان دشمن را در منطقه نبرد از ادامه کارزار بازداشته و از صحنه مبارزه حذف می‌نمایند و بعد از گذشت زمان معینی (بسته به دژ یعنی میزان حساسیت زایی عوامل مذکور بر جسم و روح انسان)، قابلیت‌های مذکور مجدداً احیا می‌گردد. تولید این سلاح‌ها موجب شده است در دکترین‌های نظامی، مفهوم «جنگ بدون خون» مطرح گردد. (تافلر، ۱۳۷۵، ۱۷۳) اگرچه این سلاح‌ها از این جهت که برای «زننده‌نگه داشتن انسان‌ها و نه کشتن ایشان طراحی شده‌اند» ممکن است مغایر حقوق بشردوستانه تلقی نشوند، اما به نظر نمی‌رسد که تولید و توسعه آنها را نیز بتوان با نگاه بشردوستانه ترغیب کرد. حقیقتاً این ممنوعیت، یک منع عرفی غیرالزام آور در حقوق بین‌الملل است؛ هنجاری است در حال گذار از دکترین به عنوان یک منبع توصیه‌ای حقوق، به عرف یا سند بین‌المللی الزام آور. امید است با افزایش حجم و تعمیق تدقیق در لزوم قانونی کردن منع توسل به هرزه نگاری به عنوان یک سلاح نامتعارف،

روند حمایت حقوق بشردوستانه بین المللی از هنجارهای اخلاقی - و به ویژه اخلاقیات نسل در ایران اسلامی - فزاینده‌تر از وضع کنونی گردد.

۵. نقش بسیج در پیشگیری از بزه دیدگی اخلاقی جوانان از منظر حقوق بشردوستانه

حقوق بین الملل بشردوستانه هنوز در میانه راه است. آمیزه‌ای متعارض است، زیرا هدف اصلی آن در راستای امنیت و سلامتی، کاهش خشونت و ابزارهای خشونت است. این در حالی است که امنیت ملی ملی عمدتاً با توسل به خشونت مسلحانه تعیین می‌شود. با این حال، با حقوق بین الملل حاکم بر کنترل تسلیحات و خلع سلاح اشتراک موضوعی دارد.^۱

در جمهوری اسلامی ایران، به حق باید اذعان داشت که بسیج، مردمی‌ترین نهاد است که کارکردهای ترکیبی اخلاقی، اجتماعی، نظامی، انتظامی، اقتصادی و ... دارد. به موجب «قانون ادغام سازمان بسیج ملی (مستضعفین) در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» مصوب ۱۳۵۹/۱۰/۲۸ (روزنامه رسمی ۱۳۵۹، صص ۵۲۳ - ۵۲۲) مقرر داشته است وظیفه «دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی در برابر هرگونه تهدید» بر عهده سپاه و بسیج است.

در خصوص شمول یا عدم شمول اسناد بین المللی بشردوستانه الزام آور (نظام بین المللی حقوق جنگ) بر نهاد بسیج باید گفت پاسخ مثبت است. نیروهای نظامی بسیج، «رزمنده» محسوب می‌شوند و مشمول کنوانسیون سوم ۱۹۴۹ ژنو می‌باشند و از حقوق رزمندگان بر اساس این کنوانسیون بهره مند هستند. «سازمان دفاع غیرنظامی و کارکنان و اموال آنها» (در اینجا، شاخه‌های فرهنگی بسیج که در پدافند غیرعامل نسبت به جنگ سایبری هرزه نگارانه فعال‌اند) نیز تابع کنوانسیون چهارم و

۱. معاهدات اصلی و عمده حقوق بین الملل بشردوستانه، کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو در خصوص حمایت از قربانیان جنگ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ به این کنوانسیون‌ها هستند. برخی از سایر معاهدات، صرفاً بخشی از حقوق بین الملل بشردوستانه تلقی می‌شوند، نظیر کنوانسیون ۱۹۸۰ سلاح‌های نامتعارف و کنوانسیون ۱۹۷۷ اتاوا در خصوص مین‌های ضد نفر.

حمایت‌های پروتکل اول الحاقی بوده و همانند هر فرد «غیر نظامی» با آنها برخورد خواهد شد.

از این رو و مستند به قانون مذکور، نیروی بسیج به عنوان ضابط خاص و هم البته به عنوان یک نهاد ترویج کننده شعائر اخلاقی در جامعه و به ویژه در میان قشر جوان رسالت پیشگیری از بزه دیدگی اخلاقی نسل جوان از هجمه فرهنگی سایبری در قالب هرزه نگاری را بر عهده دارد و البته بحمدالله، این مهم از رهگذر تأسیس «بسیج سایبری گرداب» و «پلیس فتا [فناوری و تبادل اطلاعات] ناجا» و توسعه توانمندی‌های آن در سال‌های اخیر محقق شده است. اما نباید مغفول داشت که استراتژی‌ها و تاکتیک‌های دشمن در جنگ سایبری که بطور خاص با الگوی وقیح هرزه نگاری علیه کشورهای اخلاق‌گرا در حال وقوع است، بسیار قدرتمند و فریبنده‌ی جوان دانشجو است.

با عنایت به استدلال‌ها و استنادهای فوق‌الذکر و با درک این حقیقت که حقوق سردوستانه بین‌المللی در تلاش برای ایجاد توازن و تلاقی دو دسته ملاحظه است (ملاحظات نظامی و مقتضیات بشردوستی) باید گفت بر اساس مصوبه شورای انقلاب اسلامی (لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بسیج ملی مصوب ۱۳۵۹/۱۰/۲، روزنامه رسمی شماره ۱۰۲۸۰ - ۱۳۵۹/۳/۲۴) و از طرف دیگر، ادغام سازمان بسیج در سپاه، قانوناً یکی از مسئولیت‌های بسیج، «دفاع غیر نظامی» یعنی بهره‌گیری از اقدامات لازم برای حمایت از غیر نظامیان در طول درگیری‌های ملی و بین‌المللی است و از آنجا که نظام مقدس جمهوری اسلامی امروزه در حال جنگ با امپریالیسم جهانی است، لزوم دفاع غیرنظامی بسیج در قالب پدافند غیرعامل جهت پیشگیری از بزه دیدگی اخلاقی قشر جوان دانشجو از جنگ سایبری پورنوگرافیک بیش از پیش ضروری می‌نماید.

۶. رصد جنگ‌های فرهنگی پسانوین، چالش‌ها در ظرفیت حقوق بشردوستانه

جنگ‌های پشانوین مربوط به دوره قبل از نوین شدن جنگ در نتیجه توسعه قلمرو علوم و فناوری یعنی ظهور نهضت رنسانس است. این دوره طولانی از تاریخ بشر (از ابتدای تاریخ حیات بشری تا حدود سال‌های ۱۸۰۰ میلادی) شامل دو جنگ است: مخاصمات مسلحانه آیینی (نزاع با هم‌نوع در عصر ماقبل علمی انسان در قالب مراسم ذبح و قربانی کردن انسان و هدیه به خدایان یا دشمن) و مخاصمات مسلحانه سنتی (جنگ‌های بدوی، قهرمانی و کهن واقع شده میان امپراطوری‌ها).

جنگ‌های پسانوین، شاید عمومی‌ترین عنوان برای بیان جنگ‌هایی است که در اثر ادغام و ترکیب فناوری‌های فوق پیشرفته نظامی با اهداف و سیاست‌هایی نه لزوماً نظامی ایجاد شده و تحول فزاینده تری نیز در آینده خواهند یافت. در ادبیات راهبردی و نظامی راجع به این تحولات، از سال ۱۹۷۴ تا کنون عناوین زیر را برای توصیف چنین جنگ‌هایی بکار برده‌اند: جنگ مداوم، جنگ فناوری، جنگ متکی به فناوری عالی یا فناورانه، جنگ کامل و تمام عیار، جنگ خیالی، جنگ رایانه‌ای، جنگ پایان‌ناپذیر، نظامی‌گری آمریکایی، جنگ سایبرنتیک، جنگ فوق‌نوین، جنگ غیر واقعی، جنگ اطلاعات، جنگ اینترنتی، جدال مرزها، جنگ موج سوم، جنگ نسل ششم، جنگ دوران چهارم و جنگ محض. (هیبلزگری، ۱۳۸۴، ۴۱) برخی نیز برای معادل‌سازی این جنگ در ادبیات نظامی کشورمان، آن را «جنگ فضیلت مند» نامیده‌اند. (ساعد، ۱۳۸۷، ۱۶۳) از طرف دیگر، در قالب «جنگ‌های آینده» (اسکیلز، ۱۳۸۴، ۳۷) یا «جنگ‌های نوین» (روحی، ۱۳۸۵، ۳۱) که ناظر بر جنگ‌های محتمل الوقوع در دوره بعد از مدرنیسم است، برخی از اجزای جنگ‌های پسانوین تحت عناوین مجزایی نظیر «جنگ‌های کم‌هزینه» (همان، ۱۶۸) نیز مفهوم‌سازی شده است.

رسانه‌ها جنگ‌افزارهایی هستند که برای زنده نگه داشتن انسان‌ها و نه کشتن آنها طراحی شده‌اند و بدون این که خونی از اصابت خود به

دنبال داشته باشند، مغز و قلب تصمیم‌گیرندگان امور نبرد را نشانه می‌روند. رسانه‌ای شدن، از اوصاف بنیادین این جنگ هاست (کلهر، ۱۳۸۱، ۴۹) هرزه‌نگاری، دقیقاً با شاخص‌های جنگ‌های پسانوین تطبیق دارد. چه، این شاخص‌ها عبارتند از: بکارگیری عقلانیت به جای سنت، برپایی تشکیلات اداری و اجرایی نظامی بطور نامتقارن و نامنظم، و استفاده از فناوری‌های زیستی در خدمت صنعت جنگ. (دانلپ، ۱۳۷۷، ۲۳) این سه شاخص دقیقاً در جنگ بزه دیده ساز اخلاقیات جوان دانشجو از گذر حمله سایبری به ارزش‌های اخلاقی مشهود است.

نگارنده معتقد است جنگ سایبری هرزه‌نگارانه جلوه نوین جنگ‌های پسامدرن است. چگونه این فرضیه اثبات می‌شود؟ برای پاسخ باید توجه کرد که سالها پیش نظریه پردازان نظامی اعلام کردند که برای جنگ نوین به C2 یعنی دو مقوله «فرماندهی و کنترل» نیاز است. با وقوع نخستین جنگ‌های پسانوین، فرمول مذکور به C3I یعنی دو مقوله قبلی به انضمام دو مؤلفه جدید - «اطلاعات و ارتباطات» - تبدیل شد. اما سرانجام در اواخر دهه ۱۹۸۰، آن فرمول هم جای خود را به C4I2 یعنی «فرماندهی، کنترل، رایانه، اطلاعات و تعامل میان کاربران رایانه با خود رایانه‌ها داد. تعامل مذکور دقیقاً به معنای واردشدن «هوش مصنوعی» به قلمرو مدل سازی جنگ‌های پسامدرن است. (ساعد، ۱۳۸۷، ۱۲۳) هرزه‌نگاری اینترنتی به هدف نابودسازی هنجارهای اخلاقی از تکنیک‌های هوش مصنوعی بهره می‌گیرد و رابطه لذت‌گرا میان کاربر (بزه دیده اخلاقی سایبری) و رایانه فراهم می‌آورد.

۷. GIS: راهبرد نامتقارن سیاست جنایی ایران در کنترل بزهکاران و بزه دیدگان جرائم ناقص عفت اخلاقی

کشورها بر اساس میزان محدودیت و نظارتی که قوانین مربوط به تولید، توزیع، توسعه، استفاده و صادرات و واردات انواع محصولات رمزنگاری و پنهان‌نگاری در آنها اعمال می‌کند به سه گروه اصلی سبز، زرد



و قرمز دسته‌بندی می‌شوند.

مدل سبز: شامل کشورهایی مانند سوئیس و فرانسه، که سیاست کاملاً آزادانه‌ای را در تولید، توزیع، توسعه، استفاده، صادرات و واردات محصولات رمزنگاری و پنهان‌نگاری پیش‌رو گرفته‌اند و ظاهراً ممنوعیت و محدودیت خاصی در هیچ یک از این زمینه‌ها ندارند.

مدل زرد: شامل کشورهایی مانند آفریقای جنوبی، که قوانین آنها نظارت خاصی در یک یا چند زمینه از امور مذکور نسبت به محصولات رمزنگاری اعمال می‌کنند و خود را ملزم به پیروی از برخی ضوابط و مقررات سخت‌گیرانه می‌دانند

مدل قرمز: شامل کشورهایی مانند رژیم صهیونیستی و چین که در آنها نظارت‌های همه‌جانبه‌ای بر امور مذکور دارند. (Khaghani, 2010, 149)

تارنماهای نمایش دهنده تصاویر، ویدئوها، فایل‌های صوتی، انیمیشن‌ها و بازی‌های رایانه‌ای مستهجن و مبتذل، نقض آشکار «حق بر امنیت اخلاقی محیطی» برای جوان و نوجوان در ایران اسلامی هستند. این گونه سایت‌های اینترنتی و برنامه‌های ماهواره‌ای، جلوه بارز تهدید نرم علیه امنیت اخلاقی نظام اسلامی در ایران می‌باشند. اتخاذ «راهبرد ضدجنگ نامتقارن سایبری» پاسخی سنجیده به این هجمه فرهنگی دشمن است. از جمله ابزارهای پیاده‌سازی این راهبرد، تلاش مسئولان و متولیان فرهنگی کشور در تجهیز زیرساخت‌های سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی کشور - وابسته به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات - و دیگر تأسیسات مخابراتی ارائه دهنده خدمات سایبری، گامی در پیشگیری وضعی (کاهش فرصت‌های مجرمانه برای بزهکاری و بزه دیدگی از بی‌عفتی است. اما این کافی نیست. به موازات توسل به رهیافت‌های «جرم‌شناسی محیطی»^۱ کاربرد برنامه‌های «جرم‌شناسی رشد»^۲ نیز ضروری است. این مهم از طریق اجرای سیاست‌های کلان فرهنگی نظام - که از

1. environmental criminology
2. education-based criminology

منویات مقام معظم رهبری و در چهارچوب قانون اساسی و سند چشم انداز بیست ساله - محقق می‌گردد.

اما آنچه - در این بخش از مقاله - در حوزه جرم‌شناسی پیشگیرانه ی وضعی / محیطی قابل بررسی است تا هدف سیاست جنایی ایران در مبارزه با فرصت‌های سایبری تهدیدکننده ی نرم ارزش‌های اخلاقی این مرز و بوم محقق گردد، تعامل GIS - سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی - با جرم‌شناسی تربیتی یا همان جرم‌شناسی رشد است. باور نگارنده این است که به موازات فیلترینگ، GIS نیز رهیافت دیگری است که هدف ضدجنگ نامتقارن سایبری را تحکیم و تشدید می‌نماید و فرصت‌های نقض حق جوان ایرانی بر امنیت اخلاقی محیط سایبری را از محصولات ضدفرهنگی و فاسد اینترنتی و ماهواره‌ای سلب می‌نماید.

از یک سو، همان‌طور که با افزایش گردش اطلاعات و دانش رایانه‌ای جوانان در جوامع - و از جمله، جامعه اسلامی - «فرصت»‌های تازه‌ای برای کسب تجارب منحصر به فرد برایشان پیش می‌آید، متقابلاً «فرصت»‌های بزهکاری و بزه‌دیدگی اخلاقی سایبری ایشان نیز افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، در قلمرو توسعه پایدار، توجه به ساختارهای تبادل اطلاعات و ارتباطات و ارائه مدل‌های مناسب برقراری ارتباط رایانه‌ای برای تأمین و گسترش شاخص‌های توسعه در کشور ضروری است. برای این منظور، استفاده از داده‌های مکانی و سامان دهی و تحلیل درست این داده‌ها برای بهره‌گیری در موضوعات توسعه - با تأکید بر توسعه امنیت اخلاقی در وب - گردی و دسترسی به تارنماهای اینترنتی - واجد اهمیتی وصف ناپذیر است. بهره‌گیری از سامانه اطلاعات مکانی - GIS - و تحلیل داده‌های ماهواره‌ای و بهره‌گیری از فناوری سنجش از دور (RS) نه تنها به عنوان ابزار شناسایی در این راستا تلقی می‌گردد، بلکه قدمی فراتر از مرزهای تولید اطلاعات مکانی و ورود در حوزه‌های تحلیل و ارزیابی و برنامه ریزی خواهد بود.

نگارنده بر این باور است که GIS، با توصیف پیش گفته، در تعاملی



چشمگیر با حقوق کیفری به طور عام، و با جرم شناسی پیشگیری - با تأکید بر پیشگیری وضعی - است. با توجه به نقش پایگاه اطلاعات مکانی و به ویژه نقشه‌های رقومی دقیق و پایگاه سامانه‌های اطلاعات مکانی، تعیین مدل‌های قابل استفاده در تحلیل اطلاعات مکانی و ایجاد پیوستگی میان این اطلاعات و ظرفیت‌های اطلاعاتی فراهم آورنده مشخصات IP و ISP محل بارگذاری و نقاط دانلود یا حتی مشاهده صفحات تارنماهای مستهجن و مبتذل و به طور کلی، ترافیک داده پیام‌های مجرمانه تبادل‌ی برای «پلیس فتا ناجا» میسر خواهد بود.

GIS، به مثابه مهم‌ترین رهیافت پیشگیری وضعی از اولیه و ثانویه و ثالثیه از وقوع جرائم رایانه‌ای - با تأکید بر جرائم علیه حق جوانان بر امنیت اخلاقی محیط سایبری - میانکش خوبی با «جرم شناسی رشد» دارد. مدیران سیاست‌گذاری جنایی جمهوری اسلامی در چهار حوزه سیاست جنایی تقنینی، قضایی، اجرایی و مشارکتی باید از فناوری مکان‌یابی جغرافیایی مرتکبان جرائم مذکور استفاده کنند تا هم نرخ سیاه بزهکاری - جرائم غیرمکشوف - در این حوزه از جرائم کاهش بیابد و هم تدابیر اقناعی و فرهنگی به کار بسته شده در مسیر آموزه‌های «جرم شناسی رشد» از پشتوانه ضمانت اجرای کیفری بازدارنده‌ای برای مجرمان بالقوه برخوردار گردد.

تاکنون سامانه اطلاعات جغرافیایی در ایران بیشتر برای نقشه سازی منابع زیست محیطی و آمایش اراضی به کار گرفته شده‌اند. در حالی که کارکرد پلیسی این سامانه‌ها، به غنای علوم جرم‌یابی کمک می‌کند و ابزار نظارت دستگاه‌های فرهنگی و پلیسی کشور بر جرائم رایانه‌ای خواهد بود. همان گونه که «ارزیابی توان اکولوژیکی محیط»^۱ محیط عبارت است از «تعیین یا پیش بینی قدرت بالقوه و یا نوع کاربرد طبیعی سرزمین»، ارزیابی احتمال بزه دیدگی جوان ایرانی از مفاصد اخلاقی در تارنما‌های اینترنتی

1. Ecological capability evaluation

نیز عبارت است از امکان سنجی کاراً واقع نشدن راهبردهای پیشگیری وضعی از وقوع جرم؛ جرمی که عموماً در پی فراهم بودن فرصت محیطی برای بزهکاری زمینه مساعد برای ارتکاب یافته است. با درک تعامل مفاهیم فوق الذکر، می‌توان تأثیر توسل «پلیس فتا ناجا» ایران به داده‌های جغرافیایی و تحلیل این داده‌ها در پیشگیری وضعی از بزه دیدگی جوانان از بی عفتی‌های سایت‌های مستهجن و مبتذل در محیط‌ها و فضاها، مساعد برای قربانی سازی را درک کرد. انجام این مهم امکان‌پذیر نیست، مگر با «سامانه اطلاعات جغرافیایی».

در صورت تحقق ایده‌ها و آرزوهای فوق الذکر، نرخ بزهکاری از نوع ترویج بی عفتی اخلاقی میان نسل جوان در جامعه اسلامی طبعاً کاهش خواهد یافت و در مقابل، شاخص‌های ارتقاء سطح کیفی امنیت اخلاقی پایدار، در ایران اسلامی درخشان‌تر جلوه خواهد کرد.

۹. برآیند

هرزه‌نگاری، از مصادیق آشکار جنگ نامتقارن است. جنگ نامتقارن حکایت از آن دارد که تصورات در مقایسه با واقعات از نقش بسیار حساس‌تر و مؤثرتری در وقوع منازعات برخوردارند. (افتخاری، ۱۳۸۳، ۱۸) در این مجال، «قدرت مجازی بازیگران» جای واقعیت وجودی آنان را گرفته و بدین وسیله، توجیه منطقی و اخلاقی لازم برای برخورد نظامی - حتی غیرنظامی - نقش آفرینان قوی با ضعیف حاصل می‌آید. جنگ‌های نامتقارن به «بکارگیری رویکردهای غیرقابل پیش‌بینی یا غیرمتعارف برای خنثی نمودن یا دست‌کم، تضعیف قوای دشمن و در عین حال، بهره‌برداری از نقاط آسیب‌پذیر او از طریق فناوری‌های غیرقابل انتظار یا روش‌های مبتکرانه» تعریف می‌شود. تحول جنگ نامتقارن را می‌توان از منظر مبانی اخلاقی و دینی آن نیز که اساساً به دو مقوله «مشروعیت و موجه‌سازی» دنیوی و اخروی و نیز ملی و بین‌المللی پذیرش این سبک منازعات مربوط می‌شود، مورد توجه قرار داد.

با جنگ دانستن هرزه نگاری و ارائه تارنماهای هرزه نگار به کاربران جوان در جامعه ایران اسلامی، گونه‌ای از تفسیر در خصوص جنگ نامتقارن را ارائه داده ایم که رعایت ملاحظات بشردوستانه به تبع محوریت اخلاق و دین در تبیین کارویژه نیروهای مسلح به خوبی و کفایت حاصل خواهد شد. نقش بسیج به عنوان نهاد مردمی مروج اخلاق اسلامی با تنوع شاخه‌های فرهنگی در این برجسته است. نیز تشریح شد نیروی بسیج از وجاهت بین المللی تام در مبارزه با صور نوین جنگ - در اینجا هرزه نگاری که منجر به بزه دیدگی اخلاقی جوان در ایران اسلامی - برخوردار است و مشمول مقررات کنوانسیون‌های ژنو و لاهه می‌باشد.

اگرچه کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و دو پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ هنوز بر جنگ‌های غیرکشنده حاکمیت بلافصل ندارند، اما این بدان معنا نیست که جنگ‌های بدون خون - که جنگ هرزه نگارانه سایبری از جلوه‌های آشکار این جنگ‌هاست - مشمول اصول و قواعد کلی حقوق بشردوستانه نیست. کشورهای تولیدکننده محصولات فرهنگی هرزه نگار، ناقض اصول مسلم حقوق بین الملل هستند و دست کم باید مشمول ضمانت اجرای غیرنظامی موضوع فصل هفتم منشور ملل متحد قرار گیرند. واکنش جامعه بین المللی به این گونه جنگ‌ها بایستی تشدید شود و رایزنی‌های بین المللی ایران در این خصوص لازم است.

راهبرد جمهوری اسلامی ایران در جنگ نامتقارن سایبری باید «پاسخ‌های نامتقارن» یا «ضد استراتژی نامتقارن» باشد. زیرا همانطور که انتخاب هرزه نگاری به عنوان ابزار جنگ، نقض آشکار «اصل نامحدودنبودن حق انتخابی روش‌ها و ابزارهای جنگی» است، تقابل تدافعی با این نوع جنگ نیز باید به صورت چرخش گرانیگاه مدیریت کلاسیک جنگ به سمت مدیریت بحران و مدیرین زمان در جنگ صورت پذیرد. شایسته است بسیج، مسجد، مدرسه، صدا و سیما و دیگر نهادهای متولی اشاعه فرهنگی اسلامی از این راهبرد در پیشگیری از بزه دیدگی اخلاقی جوان ایرانی در برابر جنگ نامتقارن سایبری هرزه نگار تبعیت کنند.

منابع

۱. اسکیلز، رابرت، (۱۳۸۴)، جنگ آینده، عبدالحمید حیدری، تقریرات در دانشکده فرماندهی و ستاد دوره عالی جنگ سپاه.
۲. افتخاری، اصغر، (۱۳۸۳)، در باب جنگ: معنا و مقام جنگ در گفتمان‌های امنیتی معاصر، راهبرد دفاعی، ش ۵.
۳. تافلر، هیدی، (۱۳۷۵)، جنگ و پادجنگ، مهدی بشارت، تهران، انتشارات اطلاعات.
۴. خاقانی، مهدی، (۱۳۸۹). دانشجو، پیشگیری از بزه دیدگی اخلاقی و ضرورت دفاع غیر نظامی در جنگ نامتقارن سایبری، طرح پژوهشی در دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان اصفهان.
۵. دانلپ، چارلز، (۱۳۸۳)، جنگ زمینی در قرن بیست و یکم: چهار اسطوره خطرناک، سیاست دفاعی، ش ۲۳ - ۲۴.
۶. روحانی، حسن، (۱۳۸۷)، مهندسی فرهنگی: از نظریه تا عمل، راهبرد، ش ۴۷.
۷. روحی، نبی‌الله. (۱۳۸۵). جنگ مردمی و دکترین دفاعی چین، مطالعات بسیج، ش ۳۰.
۸. ساعد، نادر. (۱۳۸۵)، ارزیابی دکترین جنگ نامتقارن از منظر حقوق بین الملل بشردوستانه، پژوهش حقوق و سیاست، ش ۱۹.
۹. ساعد، نادر، (۱۳۸۷)، حقوق بشردوستانه و مسائل نوظهور (جنگ‌های پسانوین)، تهران: انتشارات خرسندی.
۱۰. علامه مجلسی، محمد تقی، (۱۳۸۷)، بحار الأنوار، برگردان علی دوانی، ج ۱۳، قم: نشر دارالکتب الإسلامیه.
۱۱. کلهر، رضا، (۱۳۸۱)، اطلاعات در جنگ نامتقارن: درسی از یازدهم سپتامبر، سیاست دفاعی، ش ۳۸ - ۳۹.
۱۲. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۸)، دانشنامه امیرالمؤمنین علیه السلام بر پایه قرآن و حدیث و تاریخ، قم: نشر دارالحدیث.

۱۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۸۴)، تقریرات درس جرم شناسی دوره دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه شهید بهشتی.

۱۴. هیلزگری، کریس، (۱۳۸۱)، جنگ پست مدرن: سیاست نوین درگیری، برگردان احمدرضا تقاء، تقریرات در دانشکده فرماندهی و ستاد دوره عالی جنگ سپاه.

15. Khaghani, M. (2010). The Conflict Between Retributive Criminology and Human Rights Principles: A Legal Challenge in Exporting Cryptographic Products” E – exporting Cryptography Products, Proceedings of 5th International Conference on E – commerce In Developing Countries: With Focus to Export, Le Havre University, Paris, France.

16. Langlois, A. (2001). The Politics of Justice and Human Rights. London: Oxford University Press.

17. Roberts, I. (2000). Implementation of the Law of War in late 20th Century Conflicts, SAGE publication, Oslo, Vol. 29, No. 2.

18. Sandoz, A. (2000). ICRC Involvement in Banning or Restricting the Use of Certain Weapons, URL: www.icrc.org/web/eng.

19. skelton, M. (2001). Lessons for Asymmetric Conflicts, Military Review, (Sep – Oct), pp. 21 – 32.

20. Skoog, D. (1998). Innocence Exploited: Child Pornography in the Electronic Age (Ottawa: Canadian Police College/Community, Aboriginal Policing Serving Directorate, Royal Canadian Mounted Police

21. UNESCO, Declaration and Action Plan, arising out of the Expert meeting on sexual Abuse of Children, Child Pornography, and Paedophilia on the Internet: an International Challenge (Geneva: UNESCO, January 1999).

